



کیمیای مهر

بدترین آفت دریا این است که ارتباطش با اقیانوس قطع شود و هیچ رودخانه‌ای به آن سرازیر نشود.
به قول سعدی شیرازی:

«اگر باران به کوهستان نبارد

به سالی دجله گردد خشک‌رودی»

واقعیت این است که ما آدم‌ها شباهت‌های جالبی به دریا داریم؛ دائم دچار جزر و مد می‌شویم و احوال‌مان تغییر می‌کند، گاهی آرام هستیم و گاه توفانی، هر کدام، استعدادها و مرواریدهایی در عمق وجودمان داریم که حتی برای خودمان هم ناشناخته‌اند. از این رو می‌توان گفت؛ مهمترین خطر در کمین ما، این است که مانند برکه‌ای کوچک، ارتباط خود را با اقیانوس دانش و معرفت از دست بدهیم و با دست کشیدن از جست‌وجوگری، کم‌کم تبدیل به مرداب و باتلاق شویم.

بله، درست حدس زدید. ماه مهر، هنگام آغاز بارش‌ها و جاری شدن زلال حیات‌بخش علم و آگاهی در میان ماست. یک فرصت ناب دیگر برای وسیع‌تر شدن و ارتباط با شگفتی‌های بی‌شمار خلقت، برای در امان ماندن از خشکی و پژمردگی. فقط یک فرق کوچک با دریا داریم و آن این است که برخوردار شدن از نعمت این باران حیات‌بخش، تا حد زیادی به خودمان بستگی دارد. می‌توانیم چتر بی‌خیالی و غفلت باز کنیم و تن به خشکیدن دهیم، یا جوینده باشیم و زیر باران برویم و بگذاریم بذرهای وجودمان جوانه بزنند و قد بکشند.

البته، این‌ها برای یادآوری است. وگرنه کدام دشتِ تشنه و کدام آدم مشتاقی است که چشم‌انتظار بهار و باران نباشد. پس وعده ما، زیر بارانِ کیمیای مهر.